



ن و القلم و ما یسطرون

دفتر اول مجموعه شعر

بگذارید دوباره تن من گِل بشود!

ف. شاهمرانی (ساحل)

www.ketab.ir



نیکان کتاب

بهار ۱۴۰۱

- سرشناسه : شاهمرادی، فاطمه، ۱۳۷۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : بگذارید دوباره تن من گل بشود/فاطمه شاهمرادی(ساحل).
 مشخصات نشر : زنجان : نیکان کتاب، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری : ۶۰ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ سم.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶-۶۶۶-۱-۱ : ۹۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
 Persian poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۹
 رده بندی دیویی : ۸۱۱/۲۶
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۲۳۲۸۶
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

بگذارید دوباره تن من گل بشود

شاعر: ف. شاهمرادی(ساحل)

امور فنی : انتشارات نیکان کتاب

طراحی جلد : محمدرضا حقگو

لیتوگرافی، چاپ و صحافی : ولیعصر

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه / قیمت : ۹۵۰/۰۰۰

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱ / شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶-۶۶۶-۱-۱

دفتر نشر: زنجان، سعدی وسط، کوچه سید محسن موسوی، پلاک ۳.

تلفکس: ۰۲۴-۳۳۳۳۵۵۴۱-۲ همراه: ۰۹۱۲۲۴۲۵۵۹۴

Email: Nikanketab@yahoo.com

سخن شاعر:

به نام پروردگار مهربان و با احترام به پیشگاه انسان‌های راستین.

ادبیات سرزمین من چنان جنگلی گشن است که درختان تنومندش ریشه در قلب زمین دارند و چکاوک‌های شاخسارش بوسه بر رخ مهتاب می‌زنند. این ریشه‌ها از اندیشه‌ی عمیق انسان‌هایی تغذیه می‌کنند که برکتی جاودان دارند. در این بهشت برین ادبیات، بنای خیره‌کننده‌ای که نویسندگان و شاعران بزرگ سرزمینم تک‌تک حسرت‌هایش را از کلمه ساخته‌اند، حال به عرش اعلاء رسیده و معلوم نیست که در پشت این شکوه شگرف چقدر اشک و درد و رنج و زحمت پنهان است. من در این منظره‌ی دلکش، خویش را مسافری نو رسیده می‌پندارم که هرچند از هشت سالگی پا به عرصه‌ی شاعری گذاشته‌ام، هنوز از شگفتی‌های جهان کلمات به لکنت می‌افتم و در مقابل بزرگان ادبیات پارسی زانوی تلمذ بر زمین می‌کوبم. به راستی گیاه تازه رسته‌ای که از پاجوش درختان پهناور رخ از مخمل خاک بیرون می‌کشد، نمی‌تواند خویش را هموزن و هم‌تراز گیاهانی که زینت‌بخش دشتی پهناورند، ببیند. بسیار سفر و خطر و سعی نظر باید تا این گیاه ببالد و برای رسیدن به خورشید تکاپو کند تا همقد درختی بالا بلند گردد. در برابر این بالیدن نقد جان و جوانی و کوشش نیاز است.

دفتر اول شعر من شامل غزلیات و اشعار نویی است که حاوی قلمزنی‌های دختری نورسته در عرصه‌ی شاعری است. با این وجود از نظر محبت و

لطف بزرگان ادب معاصر دور نمانده است و هم‌اکنون که برگ سبزی از این دشت را در دست دارم، خویش را عضوی کوچک از این جنگل ادب می‌دانم که بسیار مدیون و مرهون همراهی شبانه‌روزی پدر و مادر عزیزتر از جانم و امعان نظر اساتیدم هستم. حقیقتاً من بدون ایندو هیچم و دستان پر زحمت پدر و قلب سرشار از عشق مادرم مهمترین بستر کشف توانمندی‌های من در عرصه‌ی شعر و نویسندگی بوده‌اند. از تلاش‌های ایشان و لطف اساتید بزرگم سپاسگزارم.

امضاء: ف. شاهمرادی (ساحل)

- ۹..... تمام منظری من! بچک بچک ز نگاهم
- ۱۰..... بگذارید دوباره تن من گل بشود
- ۱۱..... بایزید عشق تورا باراند!
- ۱۳..... من همه روحم! تنم را بشکن و بردار کن!
- ۱۵..... نفس های عسس
- ۱۷..... نه مرا ز خال تو را حتی
- ۱۹..... ابر
- ۲۱..... ما بر تن پر جور زمین نقش کبودیم
- ۲۳..... ای زمین هر آن به فرهادی فروبلعیدنی
- ۲۵..... فلق
- ۲۹..... سنگ ناچارم که با تپهای خود میرانیم
- ۳۰..... چه بگویم که تو چونی
- ۳۳..... نقطه ی هیچم بین! مشق سکوتم بخوان
- ۳۴..... زهر و مستی را فقط سقراط باور می کند

- ۳۶..... نه ! بی تو دیگر کهکشان دنیا نمی شود
- ۳۸..... در هوایی گرگ و میش
- ۴۰..... من رجبیم ! زیر باران شعلهی ویران او
- ۴۲..... بی تو نبود شدم، درک شدم، فهمیدم !
- ۴۵..... در برون مور سلیمان، در درونم آرشم !
- ۴۷..... این گریه ها را می کنی غمگین شوم که چه ؟
- ۴۹..... دختر شبگرد
- ۵۱..... بگذار از خیالت ای دیوانه بگذرم
- ۵۳..... بارهان ! نم باران کوه هایم
- ۵۵..... مادر به آغوشم بکش ! این زخم ساده نیست
- ۵۷..... چیست در خاطرها جز قفس فاصله ها
- ۵۹..... من سرزمین تو بودم